

رضا، عنایت‌الله. ایران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، سال ۱۳۸۰، ۷۱۳ صفحه.

این کتاب شامل یک مقدمه و دو بخش اصلی می‌باشد که هر بخش دارای چند فصل با مباحث متعدد است. نویسنده در مقدمه کتاب نظر خوانندگان را به مطالبی درباره تاریخ و گذشته سرزمینی که مؤلفان یونانی و رومی عهد باستان و سده‌های میانه آن را «آلبانیای قفقاز»، ارمنیان «آغوان» و «آغوانک» (آلوان و آلوانک)، ایرانیان «اران» و گرجیان «ران» و «رانی» می‌نامیدند جلب می‌نماید. چون این نامگذاری‌ها، آشفتگی و تشویش‌هایی در اذهان پدید آورده بود، نگارنده کتاب ایران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول را به این امر واداشت تا با استناد به مآخذ متعدد در زمینه قوم‌شناسی، زبان، محدوده جغرافیایی و تاریخ، تا آنجایی که امکان داشته باشد، بعضی ابهام‌ها و آشفتگی‌ها را روشن گرداند.

در بخش نخست مآخذ و منابع مربوط به آلبانیای قفقاز (اران) در دوران پیش از اسلام، از جمله مآخذ یونانی، لاتینی، ارمنی، گرجی، سریانی، و مآخذ اسلامی شامل آثار مورخان و جغرافی‌نگاران اسلامی و ایرانی آورده شده است.

در فصل‌های بعدی به نام «آلبانیا» در نوشته‌های مؤلفان یونانی و رومی و تفاوت موجود در نام این سرزمین براساس مآخذ ارمنی، گرجی، ایرانی، سریانی، عربی و غیره

و نیز تفاوت آن با نام آذربایجان و چگونگی پیدایی این نام اشاره شده است. در فصل‌های دیگر محدوده‌های جغرافیایی، اقوام ساکن این سرزمین‌ها و زبانهای مردم آنها، مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع دیگر مربوط به زبانهای مردم اران و گسترش زبان فارسی در آن سرزمین است. در کتاب اران از دوران باستان تا آغاز عهد مغول زبان مردم آذربایجان و باورهای دینی مردم آن و نیز باورهای دینی مردم اران بررسی شده است.

بخش دوم کتاب، شامل رویدادهای تاریخی سرزمین اران از سده چهارم پیش از میلاد تا آغاز عهد مغول است. در فصل‌های مربوط به تاریخ اران و رویدادهای آن سرزمین طی سده‌های پیش از میلاد، روزگار پارتیان تا سده سوم میلادی و عهد ساسانیان تا آغاز اسلام و نفوذ دین اسلام در آن سرزمین و حوادث دوران خلافت امویان و عباسیان، اشاره شده است. در کتاب، حکومت دودمان‌هایی چون ساجیان، سالاریان، روادیان، شدادیان، شروانشاهان، غزنویان، سلجوقیان و اتابکان مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

دو بخش اصلی کتاب شامل ۲۱ فصل است که به لحاظ آشنایی بیشتر خوانندگان عناوین تمامی فصول در ذیل نگاشته می‌شود:

بخش نخست: مآخذشناسی، قوم‌شناسی، زبان و باورهای دینی

فصل اول - مآخذ و منابع مربوط به آلبانیای قفقاز، مآخذ یونانی و لاتینی، مآخذ ارمنی، مآخذ گرجی، مآخذ سریانی، مآخذ اسلامی، مورخان اسلامی، جغرافی‌نگاران اسلامی.

فصل دوم - نام آلبانیا (اران)

فصل سوم - نام آذربایجان (اتورپاتکان)

فصل چهارم - محدوده آلبانیای قفقاز (اران)

فصل پنجم - محدوده آذربایجان

فصل ششم - اقوام ساکن آلبانیای قفقاز (اران)، کاس‌ها (کاسپیان - کاسیان = کاس‌سیان)

آلبان‌ها، میک‌ها، گل‌ها - لگ‌ها، اوتی‌ها - اودین‌ها، گرگ‌ها، سیلوی‌ها و لوپنی‌ها، لاهیج‌ها

(لاهیجان)، تات‌ها، تالش‌ها (طالش‌ها)، گروه قومی شاه‌داغ.

فصل هفتم - اقوام ساکن آذربایجان.

فصل هشتم - زبان مردم آلبانیا (اران)

فصل نهم - زبان پارسی در آلبانیای قفقاز (اران و شروان)

فصل دهم - زبان مردم آذربایجان.

فصل یازدهم - باورهای دینی در آلبانیای قفقاز (اران).

فصل دوازدهم - باورهای دینی مردم آذربایجان.

بخش دوم: تاریخ آلبانیای قفقاز (اران) از سده چهارم پیش از میلاد تا آغاز حمله مغول

فصل سیزدهم - آلبانیا از سده چهارم پیش از میلاد تا آغاز عهد ساسانی.

فصل چهاردهم - آلبانیای قفقاز در عهد ساسانیان.

فصل پانزدهم - شهرهای اران در دوران پیش از اسلام.

فصل شانزدهم - اران از انقراض دولت ساسانی تا پایان خلافت امویان.

فصل هفدهم - اران از آغاز خلافت عباسی تا پایان دولت ساجیان.

فصل هیجدهم - اشاره‌های مختصر به عهد فرمانروایی سالاریان، روادیان، شدادیان، و

شروانشاهان.

فصل نوزدهم - درآمدن ترکان به قفقاز و نفوذ زبان ترکی.

فصل بیستم - توران، ترکان، پان‌تورانیسم.

فصل بیست‌ویکم - چرا نام اران از میان رفت؟

پایان سخن، کتابنامه فارسی و عربی، کتابنامه لاتین و نمایه.

در فصل یازدهم تحت عنوان «باورهای دینی در آلبانیای قفقاز (اران)» که از فصول بسیار

خواندنی کتاب می‌باشد در صفحه ۲۵۲ در مورد چگونگی رفتار فاتحان عرب با مسیحیان چنین

می‌خوانیم:

«فاتحان عرب، نسبت به مسیحیان از خود انعطاف نشان می‌دادند، زیرا می‌خواستند قفقاز را به پایگاه خود در برابر امپراتوری روم شرقی بدل سازند. خلافت عرب در اران، همانند دیگر سرزمین‌های تابع، سه مقام و منصب عمده معین کرده بود: مقام نخست از آن امیر بود که عامل خلیفه به‌شمار می‌رفت و همهٔ امور کشوری و لشکری در اختیار او بود؛ مقام دوم به مأمور گردآوری جزیه و خراج، و مقام سوم به نمایندهٔ مذهبی خلیفه تعلق داشت.

اسلام در شهرهای اران، میان بازرگانان و پیشه‌وران به سرعت گسترش یافت، ولی مردم کوه‌نشین در حفظ آیین‌های کهن خویش همچنان باقی بودند. ذکر این نکته ضروری است که فاتحان عرب از مسیحیان که آنان را کافران ذمی می‌نامیدند، برای شرکت در پیکارها بهره می‌جستند و آنان را وامی‌داشتند که به همراه عساکر عرب با دشمنانشان پیکار کنند. فاتحان عرب کسانی را که در سپاه خدمت می‌کردند، به سود خود به شرکت در پیکارها وامی‌داشتند. عرب‌ها در آذربایجان چنین کردند و در صدد برآمدند در اران نیز چنان کنند».

موقعیت سوق‌الجیشی سرزمین کوهستانی داغستان توجه سرداران عرب را جلب کرد. حفظ استحکامات دربند که از عصر ساسانی معمول بود، برای دستگاه خلافت مهم می‌نمود. شرق قفقاز نیز از دیدگاه اقتصادی واجد اهمیت بود، زیرا به محل برخورد دو نیروی متخاصم خلافت و خاقانات خزر بدل گشته بود. دولت امپراتوری روم شرقی نیز خزران را در برابر خلافت حمایت می‌کرد. مسلمة بن عبدالملک که در سالهای ۱۱۲ یا ۱۱۳ هجری (۷۳۰ یا ۷۳۱ میلادی) والی ارمنستان و اران بود، بیست و چهار هزار تن از سپاهیان شام را در دربند جای داد. این گروه برای سکونت به آن ناحیه اعزام شدند که در واقع یکی از مهمترین کوچ‌های عرب‌ها به سرزمین قفقاز بود. مسعودی می‌نویسد که میان سرزمین جیدان و باب‌الابواب گروهی مسلمان عرب‌بند که جز زبان عربی نداشتند و در بیشه‌ها و جنگل‌ها پراکنده‌اند و مردم باب از آنان بیمناکند. در سال ۱۳۲ هجری (۷۵۰ میلادی)، هنگامی که عباسیان بر سر کار آمدند، در آغاز روستاییان و پیشه‌وران به حمایت از آنان برخاستند، ولی این حمایت دیری نپایید و قفقاز شاهد قیام‌های متعدد بر ضد عباسیان شد. خزران، لشکریان عباسی را در منطقهٔ دربند درهم شکستند. این

وضع سبب شد که هفت هزار خانوادهٔ مسلمان عرب از شام و بین‌النهرین به‌ویژه به حومهٔ دربند کوچانده شوند.

محتمل است نوشتهٔ مسعودی مربوط به این گروه از کوچندگان عرب بوده باشد. جریان مسلمان شدن مردم اران که از سدهٔ هشتم میلادی (سدهٔ دوم هجری) آغاز شده بود تا سدهٔ سیزدهم میلادی (سدهٔ هفتم هجری) ادامه یافت. با گسترش اسلام، از شمار کلیساهای مسیحی کاسته شد و تنها به سه اسقف‌نشین محدود گردید. خلفای عرب که با دولت امپراتوری روم شرقی سرِ جدال داشتند، از کلیساهای مونوفیزیت (یعقوبی)، نسطوری و مارونی که مخالف کلیسای ارتدکس بیزانس بودند، حمایت می‌کردند. این وضع تا سدهٔ هشتم میلادی ادامه یافت. از آن پس، مسیحیت در اران روبه ضعف نهاد. بدین‌روال مسیحیت نقش پیشین خود را از دست داد. با ضعف مسیحیت زبان رایج در کلیساهای اران که به احتمال زبان ارانی یا آلبانیایی بود، رفته‌رفته زایل گردید و به همراه آن جریان بیگانگی مذهبی در جامعهٔ اران پدید آمد. با این وصف، سنت‌ها و ایدئولوژی دوران بت‌پرستی تا مدتی دراز در اران باقی ماند و مسیحیت نتوانست به همهٔ نواحی سرزمین اران نفوذ کند.

در فصل دوازدهم تحت عنوان «باورهای دینی مردم آذربایجان» نویسنده چگونگی گسترش اسلام به سرزمین‌های قفقاز را چنین شرح می‌دهد: با ظهور و گسترش اسلام، مردم آذربایجان در نخستین سده‌های اسلامی مسلمان شدند، حال آن‌که پذیرش دین اسلام از سوی مردم اران و شروان تا سدهٔ سیزدهم میلادی (سدهٔ هفتم هجری) به درازا کشید. نمونهٔ این مدعا، خاقانی شروانی است که مادرش مسیحی و به آیین نسطوری بود که بعد اسلام آورد... چون علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) به خلافت رسید، نخست سعیدبن ساریه خزاعی و سپس اشعث‌بن قیس را حکومت آذربایجان داد. بلاذری می‌نویسد: «چون (اشعث) به آذربایجان رسید، چنان دید که اکثر مردم اسلام آورده‌اند و قرآن می‌خوانند، پس گروهی از تازیان اهل عطاء و دیوان را در اردبیل مسکن داد و آن شهر را آبادان گردانید و مسجد آن را ساخت و آن مسجد بعدها وسیع‌تر گردید. (ص ۲۶۸ و ۲۷۰)

سیدامیر تبریز‌عبداللهی



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پر تال جامع علوم انساني